

صدای منتشی اول مجلس در پایتخت می‌پیچد: «بنا به سعادت ملت ایران، به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، ما امضاکنندگان پیشنهاد می‌کنیم که صنعت نفت ایران در تمام کشور بدون استثنا ملی اعلام شود.»

میان هیاهوی ماشین‌ها و مردم زیر مجسمه مدرس ایستاده‌ام و به ورقه‌ای که با قطرات باران یک روز آخر اسفند خیس می‌شود نگاه می‌کنم. زیر لب تکرار می‌کنم: «بنا به سعادت ملت ایران، صنعت‌نفت ایران بدون استثنا ملی اعلام می‌شود.» این جمله، من و این خیابان را به ۶۳ سال پیش زیر سقف بلند ساختمان پیر مقابلمان می‌برد؛ به روزهایی که مردانی از زیر پلاک عدل مظفر گذشتند تا به نام سعادت مردم ایران مهم‌ترین «ماده قانونی» که تا آن زمان در صحن پارلمان ایران مطرح شده بود را تصویب کنند. اما این تصمیم مهم وقتی و جایی پیش از ظهر ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ با هم‌پیمان‌شدن مردانی در اتاقی زیر سقف همان ساختمان قطعی شده بود. اما این تصمیم مهم چطور و کجا قطعی شد؟ این سوالی است که این گزارش به‌دنبال پاسخ به سمت اشاره دست سیدحسن مدرس به ساختمان قدیمی‌ترین ساختمان قانونگذاری در ایران و موزه امروزی مجلس می‌کشاند.

از آذربایجان تا آذربایجان

تقدیر نفت ایران با نام آذربایجان گره خورده است. انگار این سرنوشت مهم‌ترین ماده معدنی ایران بود که در روزهایی که هنوز همه نگران آذربایجان بودند در خانه شانزدهمین شهردار پایتخت در خیابان آذربایجان پیشنهاد ملی‌شدنش مطرح شود. آذرماه ۱۳۲۸ روزی که همه اعضای جبهه ملی در خانه استیجاری دکتر محمود نریمان در خیابان آذربایجان جمع شده بودند تا درباره سرنوشت قرارداد الحاقی و التای قرارداد ۱۹۳۳ گس گلشایبان تصمیمی بگیرند؛ دکتر حسین فاطمی در یکی از تنفس‌ها به یک‌بارم پیشنهادی را به دکتر مصدق می‌دهد و می‌گوید: «چرا نفت را ملی نکنیم و به شرکت نفت خسارت ندهیم؟» این پیشنهاد در جلسه مطرح و با تصویب همه اعضای جبهه ملی در دستور کار نمایندگان این حزب قرار می‌گیرد. دکتر مصدق بعدها در نامه‌ای که خطاب به دکتر کامرینین، پسرش می‌نویسد می‌گوید که این پیشنهادی بود که دکتر فاطمی برای اولین‌بار مطرح و تا پای جان از آن حمایت کرد. خطوط نامه دکتر مصدق به فرزندش را در کریدوری که میان گیت ورودی تا در موزه مجلس طی می‌کنم به یاد می‌آورم و به راهی که این پیشنهاد از خیابان آذربایجان تا این ساختمان طی کرده می‌اندیشم؛ در سال ۱۳۲۸ در‌ست در روزهای آخر مجلس پانزدهم همرزمان بالارفتن امتیازگیری دو نیروی آن زمان، شرکت نفت ایران و انگلیس که بعد از کشف نفت در ایران در خرداد ۱۲۸۰ شمسی مهم‌ترین ثروت ایران را به موجب قرارداد رویتزر که اجازه کشف و بهره‌برداری هرگونه منبع زیرزمینی و معادن ایران به‌جز طلا و نقره را به دست گرفته بود. قراردادی که در هفتم خرداد ۱۳۱۲ با یک قرارداد الحاقی بار دیگر تمدید می‌شود تا به سال ۱۳۴۴ و مجلس چهاردهم می‌رسد، اما این‌بار یک رقیب جدی دارد؛ شورایی که همه چهار نفر برابری و عدالت خلق سر داده است نمی‌تواند از ثروتی که زیر پای کشورش هست بگذرد و از طریق نمایندگان حزب توده نفت شمال را برای برقراری موازنه طلب می‌کند. دولت اتحاد جماهیر شوروی که به‌تازگی آذربایجان ایران را ترک کرده بود طلبکار نفت ایران بود؛ موازنه‌ای که میدان‌های نفتی جدیدی که در شمال ایران پیدا شده را هدف قرار می‌دهد. از اینجاست که موضوع برهم‌زدن این موازنه که به سیاست موازنه منفی مشهور است هدف برخی از سیاستمداران ایرانی می‌شود؛ سیاستی که یادگار دو مرد بزرگ تاریخ معاصر است؛ یکی امیرکبیر و دیگری سیدحسن مدرس که درست آن سوی این دروازه آهنی در میانه میدان بهارستان نشسته است. پیشنهاد ملی‌شدن صنعت نفت تنها راه جلوگیری از موازنه مثبت در ایران و پاسخ‌خواهی قدرت‌های جهانی بود. اما پیشنهاد ملی‌شدن نفت به عمر و ترکیب مجلس پانزدهم نمی‌رسد. دکتر مصدق که می‌داند چهره‌های طرفدار انگلیس و شوروی در مجلس کم نیستند، خودش کاندیدای مجلس می‌شود و با رای بالای مردم تهران به مجلس می‌رود. با افتتاح مجلس شانزدهم در بهمن ۱۳۲۸ ملی‌شدن نفت به این ساختمان رسید. از پله‌های ساختمان بالا می‌روم و پیش از آنکه وارد ساختمان قدیمی‌ترین پارلمان در ایران شوم بار دیگر به آن کمیسسیون ۱۵نفره‌ای می‌اندیشم که تیرماه ۱۳۲۹ جایی در این ساختمان تشکیل شد و

گشت‌وگذاری در «موزه مجلس» ۶۳؛ سال پس از ملی‌شدن نفت

یک عکس تنها یادگار خاموش مصوبه‌ای تاریخی

فرزانه ابراهیم‌زاده



یک عکس تاریخی یادگار ملی‌شدن نفت در موزه مجلس است

هدفش یک‌چیز بود: «با وجود همه فشارهای بیرونی نفت باید ملی شود.» بنای **به قدمت قانونگذاری** میرزا علی‌خان حاج‌الدوله وقتی به سمت کاشان باحکم «فصدرگ» صدراعظم ناصرالدین‌شاه خانه‌اعیانی‌اش را در بهارستان ترک کرد به این فکر نمی‌کرد که این عمارت روزگاری به دستور دلماد امیرکبیر مکتبی برای قانونگذاری می‌شود، اما اعتمادالسلطنه پسر دانشمندش تصمیم گرفت که این ساختمان و ننگ نام خانواده‌گی که با کشته‌شدن امیرکبیر همراه بود را به مشیرالدوله بسپارد؛ مشیرالدوله‌ای که به‌مانند امیرنظام اندیشه‌های بلندی داشت که هیچ‌کدام به ثمر نرسید و تنها چیزی که از او باقی ماند قراردادی بود که برای ۷۰سال نفت ایران را به دست اجنبی سپرد؛ قراردادی که بنیانش در همین خانه گذاشته شد و در همین خانه هم به دست تاریخ سپرده شد. اما این ساختمان ۱۰۷ سال است که دیگر نه خانه حاج‌الدوله است نه خانه میرزا حسین‌خان سپهسالار، خانه ملت است. این ساختمان بعد از امضای

فرمان مشروطه به دست مظفالدین‌شاه بهترین

گزینه برای استقرار مجلس بوده ساختمانی که معمار اصلی‌اش معماری قمی بود که تحت نظر محتجم‌الدوله آن را ساخت با‌سردری که‌فالی‌بوس بوتال، مهندس فرانسوی طراحی کرده بود و در ۱۵ فوریه ۱۸۸۱ به سرپرستی استاد غلام معمار میرزا علی‌اکبر بیک‌تر‌اش ساخته شد. ساختمان اصلی مجلس شورای ملی سه طبقه شامل یک زیرزمین، طبقه همکف و نیم‌طبقه‌ای است که به صحن علنی متصل می‌شود. تا جایی که منابع تاریخی می‌گویند تا سال ۱۳۲۹ کمیسسیون‌های مجلس در همین ساختمان در یکی از اتاق‌های تودرتو آن برگزار می‌شده است که این شامل

کمیسسیون نفت هم بود که در مجلس شانزدهم تشکیل شد. بر اساس مشروح مذاکرات این کمیسسیون، نخستین جلسه کمیسسیون نفت در روز پنجم تیرماه ۱۳۲۹ در روزی که دولت منصورالملک سقوط و جایش را به دولت نیمه‌نظامی حاجعلی رزم‌آرا سپرد تشکیل شد. دکتر محمد مصدق، جمال امامی، دکتر شایگان، صالح بهبهانی، حائری‌زاده، گنجه، حسین مکی، سرتیپ‌زاده، پالیزی، دکتر علوی‌فشقای، ناصر ذوالفقاری، دکتر کسیمی، دکتر هدایتی‌فقیه‌زاده، عامری و فرامرزی ۱۵نفری بودند که در کمیسسیون نفت حاضر شدند. ترکیبی که البته همه موافق ملی‌شدن نفت نبودند؛ اما در نهایت تسلیم جمع شدند.

کمیسسیون نفت با هدف بحث و گفت‌وگو درباره قرارداد الحاقی که برخی از نمایندگان ملی‌گرا چون دکتر مصدق و مهندس حسینی با آن مخالف بودند تشکیل شد. اما هدف این کمیسسیون تا اسفند همان

گزارش

ریاست مجلس را برعهده داشت و حالا تصویر رنگ و روغن چهره‌اش در مقابل چشماتم است. او ریاست مجلس را در مجلس شانزدهم بعد از سیدصادق طباطبایی در دست گرفت. درست در همان زمانی که سیدحسن تقی‌زاده هم ریاست مجلس سنا را داشت که ماده قانونی ملی‌شدن صنعت‌نفت بعد از تصویب مجلس شورای ملی به سنا رفت و در ۲۹ اسفند جنبه قانونی گرفت و سالال ۱۳۳۰ که ورود به دهم تازہ بود با ملی‌شدن صنعت‌نفت تحویل شد. راهنمای موزه می‌گوید: «این اتاق‌ها برای دیدارهای مردمی استفاده می‌شود و به نظر نمی‌رسد که اتاق کنفرانس و کمیسسیون باشد. در جایی به نقل از حسین مکی خوانده بومد که اتاق‌های کمیسسیون در طبقه بالا قرار داشت. از راهنما درباره اتاق‌های طبقه بالا می‌پرسم. می‌گویند: «آنجا چند اتاق است که برای کارهای اداری استفاده می‌شود.» او می‌گوید که در دوره پهلوی دوم ساختمان کمیسسیون‌های مجلس ساخته شد. این ساختمان حالا درست در کنار ساختمان هرمی پارلمان کنونی است. اما ساختمانی که آن راهنما می‌گوید محلی نیست که در سال ۲۹ کمیسسیون نفت در آن تشکیل شده است. این را تصویری که از نمایندگان کمیسسیون دیگری در مجلس شانزدهم در اینجا به نمایش گذاشته است شهادت می‌دهد. اتاق کمیسسیون اتاقی نه‌چندان بزرگ با میز چوبی بلند است که نمایندگان دور آن می‌نشستند و با نمایندگان دولت به بحث می‌پرداختند. پیشنهاد راهنما رفتن به سمت صحن علنی است؛ جایی که شاهد خوبی برای آن روز ۲۴ اسفند ۲۹ است؛ روزی که نمایندگان برای تصویب ماده قانونی از صندلی‌های قهوه‌ای‌رنگ چرم برخاستند و با رای آنها نفت ملی شد.

از تور تا تصویب

به نظر نمایندگان جبهه ملی هیچ فکری و هیچ راهی برای حفظ استقرار مملکت و عدم مداخله دول بزرگ غیراز ملی‌شدن صنعت نفت نیست، صنعت نفت باید ملی شود و این وجوهی که از کیسه این ملت بچاره‌بدون لباس و بدون غذا به جیب خارجی‌ها می‌رود و ممکن است که موجب یک خطرات بزرگی شود صرف خود ملت شود.» روی یکی از صندلی‌های قهوه‌ای‌رنگی که بیش از ۷۰سال صندلی قانونگذاری بوده نشستام و مشروح مذاکرات جلسه ۱۲۷ مجلس را می‌خوانم؛ جلسنه‌ای که قانون ملی‌شدن صنعت‌نفت در آن برای اولین‌بار مطرح می‌شود و دکتر محمد مصدق پشت آن تریبون چوبی در مقابل نمایندگان از تصمیم کمیسسیون نفت دفاع می‌کند. چشماتم را می‌بندم و صدای هیاهوی نمایندگان موافق و مخالف را می‌شنوم. کمیسسیون نفت این پیشنهاد را در روزهایی اعلام می‌کند که کشور هنوز از شوک ترور نخست‌وزیر خارج نشده است چندروز پیشتر از ۲۰ اسفند که مصدق این پیشنهاد را در مجلس مطرح می‌کند در مقابل مسجد بزرگ بازار خلیل طهماسبی تیر خلاص را به قرارداد الحاقی و مغز رزم‌آرا می‌زند. او تنها قربانی نفت نیست. پیش از این هژیر هم به‌دلیل مخالفت با خواست ملی به تیر خلاص فداییان اسلام کشته شده بود. کمیسسیون نفت می‌داند که علی‌تعلل کند ممکن است در تعطیلات نوروز هر اتفاقی بیفتد. پس راه‌حل تصویب قانون ملی‌شدن نفت در مجلس پیش از عید است. فشار ۱۵ نماینده عضو کمیسسیون نفت پاسخ می‌دهد و نطق مکی و مصدق کار خودش را می‌کند و نمایندگان که نمی‌خواهند نام خائن به ملت روی پیشانی‌شان ثبت شود در ۲۴ اسفند ۲۹ اینجابه همین جایی که حالا صندلی‌های خالی‌اش خاطراتشان را یادآوری می‌کنند در مقابل آن تابلو و «امرهم شورا بینهم» در مقابل درخواست رییس مجلس برای رای‌گیری برمی‌خیزند. برخی سریع و برخی کند و از روی بی‌میلی؛ اما برمی‌خیزند و صدای سردار فاخر در مجلس می‌پیچد: «به تصویب اکثریت مطلق نمایندگان مجلس شورای ملی نفت ملی اعلام می‌شود.» این خبر به سرعت به مرمی که بیرون از مجلس در انتظار تصویب آن هستند می‌رسد…

حالا از خاطره آن‌روزها فقط این صندلی‌ها مانده است و آن تریبونی که شاهد ملی‌شدن صنعت نفت بود. اینها تنها شاهدانی بودند که در این سفر کوتاه از آن روزهای پر از تیوناب اسفند ۲۹ به‌جا مانده‌اند. از صحن علنی بیرون می‌آیم و به سمت راهرویی که یادگارهای نفت است می‌روم. در میان خاطره‌های ۲۴دوره مجلس شورای ملی و ۹دوره مجلس‌شورای‌اسلامی تنها یک تصویر از مصدق در کنار آیت‌الله کاشانی با مصوبه قانونی دوقوربتی بر سینه یکی از دیوارها به‌جا‌مانده است با این جمله: «بنا به سعادت و به‌منظور کمک…»

مکتوب

ملی‌شدن نفت، داستانی که ادامه دارد

فوران نخستین چاه نفت تجاری ایران در نخستین روز خرداد ۱۲۸۷ شمسی - همان روزهایی که کشور درگیر استبداد صغیر محمدعلی‌شاه و بازپس‌گیری مشروطه بود - موجب تغییر نگاه دولت‌های بزرگ به ایران و تشدید رقابت‌ها به‌خصوص میان انگلستان و روسیه شد. شروع جنگ‌های جهانی، نیاز به نفت برای تأمین و تجهیز ارتش و پس از آن برای بازسازی اروپا موازنه قدرت را در ایران بر هم زد به طوری که حتی در سال‌های بعد زمینه بسته‌شدن قرارداد ۱۹۱۹ را که ایران تا مرز تحت‌الحمایگی انگلستان رفت فراهم آورد. آغاز مجلس سیزدهم برگ تازهای را در ایران ورق زد؛ آغازی که به استفاده یکجانبه شرکت نفت ایران - انگلیس خاتمه داد و این ثروت ملی را به سمت صاحبان اصلی آن کشاند.

یازدهم آذر ۱۳۲۳، دکتر محمد مصدق طرح دوقفورتی به مجلس عرضه کرد. براساس این طرح واگذاری هر گونه امتیاز به هر شرکت و دولت خارجی از سوی هر مقامی اعم از نخست‌وزیر، وزیر یا معاونان آنان ممنوع شد. در مجلس چهاردهم نمایندگان حزب توده ادعا کردند چون انگلیسی‌ها در جنوب نفت را به غارت می‌برند شوروی‌ها‌نی‌از باید در شمال امتیاز نفت را بگیرند ولی دکتر مصدق با این نظر مخالفت کرد و در جواب آنها در نطق هفتم آبان ۱۳۲۳ گفت: «آنهایی که طالب ترقی و پیشرفت میهن‌اند با هر سیاستی که در مصالح وطن نیست مبارزه می‌کنند. من با دادن هر امتیاز از نظر اقتصادی و سیاسی مخالفم، ملت ایران آرزومند توازن سیاسی است؛ یعنی توازنی که به نفع مملکت باشد و آن «توازن منفی» است. ملت ایران هیچ وقت با توازن مثبت موافقت نمی‌کند. از اولین روزی که وارد مجلس شدام با قرارداد مالی و هر عملیاتی که دولت‌های بعد از شهرپور از نظر توازن مثبت انجام داده بودند، مخالف کردم و اعمال خائنانه آنها را به جامعه آشکار کردم.» در این قانون مساله ملی‌شدن نفت مطرح نبود بلکه به موجب آن دولت موظف و مکلف شده بود برای استیفای حقوق ایران در مساله نفت مذاکره کند. در آن زمان پیشنهادهای زیادی در کمیسسیون نفت مطرح بود که یکی از آنها پیشنهاد ملی‌شدن صنعت نفت بود. دکتر مصدق بعدها در بیانیهای اعلام می‌کند که در یکی از جلسات جبهه ملی دکتر سیدحسن فاطمی آن را مطرح کرد و تصویب شد و به مجلس رفت اما در مجلس نتوانست رای بیابورد و مسکوت ماند. این پیشنهاد اقتدر در مجلس ماند تا جریان قبل رزم آرا در اسفند ۲۹ و در مجبوجه دعوی حقوقی کمیسسیون نفت با شرکت نفت ایران - انگلیس در کسب امتیاز استفاده از نفت به اندازه مساوی، رخ داد. مصدق در گرماگرم مساله ترور رزم‌آرا آن را مطرح کرد و کمیسسیون آن را پذیرفت و به صحن علنی مجلس رفت. البته انگلیسی‌ها در پایان زندگی رزم‌آرا با وی بر سر تقسیم ۵۰-۵۰ توافق کردند اما مساله ملی‌شدن مطرح بود.

اصول و شرایط ملی‌شدن صنعت نفت ایران آنگونه که به موجب قانون مقرر شد به‌شرح زیر بود:

۱- تصدیق و قبول اصل ملی‌شدن نفت و حاکم‌بودن آن بر کلیه شئون صنعت نفت ایران.

۲- قرارگرفتن همه عملیات صنعت نفت در دست دولت ایران با پیش‌بینی تشکیل شرکت ملی نفت ایران و با این تفاهم که هیچ قسمت از عملیات مزبور به سه‌سازمی واگذار نشود که به تمام معنا، مجری تصمیمات دولت ایران نباشد.

۳- مجازبودن استفاده از کارشناسان خارجی به شرط اجرای تریبانی

۴- گماشتن تدریجی ایرانیان به‌جای آنها.

۵- فروش نفت به مشتریان شرکت سابق به مقادیری که قبلاً مورد معامله بوده با این شرط که مشتریان نسبت به مقادیر زاید بر آن با تساوی شرایط حق تقدم خواهند داشت.

۵- تعلق کلیه در آمدنفت و فرآورده‌های نفتی به دولت ایران با این تفاهم که تحویل‌گیرنده نفت ایران هیچ‌گونه انتفاعی جز تحت‌عنوان معامله خرید نخواهد داشت.

۶- رسیدگی به دعاوی و مطالبات حقه شرکت سابق و دعاوی و مطالبات متبقی دولت ایران با پیش‌بینی تودیع ۲۵درصد از عایدات خالص نفت به منظور پرداخت غرامت به شرکت سابق.

دکتر مصدق بعدها در مجلس شورای ملی در تشریح قانون ملی‌شدن صنعت نفت چنین گفت: شرکت نفت با این تشبثات می‌خواهد همه مفقات را مرعوب خود نموده و فاسد کند و نقاضاهایی که داشته و دارد، انجام گردد. بدیهی است که امید ترقی کشور و بهبودی در وضع زندگانی اجتماعی ملتی که هیات حاکمه آن فاسد باشد، جز آرزوی خام و امیدواری تشنگان به سراب، چیز دیگری نخواهد بود. برای اینکه ما خود را از این وضعیت وخیم خلاص کنیم و برای اینکه دنیا بداند که هیچ دولتی حق نخواهد داشت و نخواهد توانست از معادن نفت ایران کوچک‌ترین استفاده نامشروع بکند، ما باید صنعت نفت را در سراسر مملکت ملی اعلام کنیم؛ نفت ایران در آخرین روز سال ۱۳۲۹ ملی شد اما داستان این ثروت ملی همچنان ادامه دارد.

جدول ۱۹۴۵

افقی:

۱- مبلغی که در ازای تخلف یا جرم مطابق قانون و مقررات از کسی دریافت می‌کنند- به صورت بیهوده و بی‌مصرف ۲- از آرایه‌های ادبی- به هم ساییده شدن دو چیز ۳- شاهکار ادبی فراتس گفتا-کافکا-جیمه‌مقوایی- شکوفه‌کردن درخت ۴- طلایی- یادپایدار و ناسستوار- درخت لزان ۵- شامه‌نواز- در مقابل شوخی- تک و تنها- تلخ تازی ۶- موشک فنیایی اروپا- راز مگوی خان‌ها- سست‌شدن- فتنه‌جو ۷- راه و روش- محله زندگی بنیانگذار جمهوری‌اسلامی ایران ۸- بینی- بُری و انباشتگی- اهل گیلان ۹- مجل ۱۰- باشکوه- شفاعت‌کننده ۱۰- به سیگار می‌زنند- ناگهانی خودمائی- میوه خوبا- نام عمومی بیماری «لازنزیت» ۱۱- مردن از غصه- پدر بزرگ- سرخانی- از اقمار مشتری ۱۲- وسیله درو کردن گیاهان بوته ای- مدّ کامل- شیوه ارزیابی ذهنی ۱۳- خازن متغیر کوچک با ظرفیت بسیار پایین- نوعی دستگاه بازی کامپیوتری قدیمی- آزاد ۱۴- نام هواپیمایی ملی کشور اسپانیا- ابشاری در آمریکا در پارک ملی ای به همین نام ۱۵- گرافه گویی- فاقد شایستگی لازم.

عمودی:

۱- شخصیت پلیسی با لقب «مامور ۱۰۰۷» که توسط «یان فلمینگ» نویسنده انگلیسی خلق شد- لکه نورانی بیضی شکل در آسمان شب در جهت مقابل خورشید ۲- شادی- آغوز- قوم ایرانی ۳- رها شده بدون تربیت و مراقبت- آهسته و آرام- واحدی برای بیان شدت صوت ۴- آب بینی- شناکری که کارش مراقبت از شناگران برای پیشگیری از غرق شدن آنهاست- از ضمائر مفعولی ۵- ضربه‌ای در ورزش بوکس- پست و فرومایه- سودای

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

جدول ۱۹۴۴

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۲	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۳	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۵	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۷	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۸	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۹	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۰	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۲	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۳	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۴	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲

سودوکو سخت ۵۹۷

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹

نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۹۴۸

سودوکو ۹۴۸

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددده‌ای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشور‌های مختلف به چاپ می‌رسد.